

بهروز سورن: صدای دادخواهی و عدالتجویی از شهر گوتنبرگ سوئد بگوش رسید



گردهمائی چهارم زندانیان سیاسی در گوتنبرگ سوئد برگزار شد. هنوز جمع بندی ها و گزارشات کمیته برگزار کننده منتشر نشده است. امید که برای اطلاع همگان از این واقعه بسیار مهم سیاسی جزئیات آن بزودی به اطلاع عموم برسد. بهر حال کاری بزرگ پس از منتهای طولانی توسط تلاش گروهی به انجام رسید و جای تبریک و قدردانی از همه دست اندرکاران صدیق، پرشور و متعهد آن دارد. کار و تلاش شبانه روزی این دوستان بر همه علاقه مندان و وجدان های حساس به تاریخچه خونین سه دهه حاکمیت رژیم و کشتار زندانیان سیاسی خوبی روشن بوده است. این واقعه برگی از تاریخ زنده ای بود که پنجره ای دیگر به ناگفته ها و ناروشنایی های آن دهه خونین باز کرد. حضور گسترده فرهیختگان و اهل قلم و هنر در این همایش دال بر تدارک و همیاری عمومی بود. کوششی همگانی و بین المللی از جانب افرادی که رنج راه و محنت سفرهای طولانی را بجان خریدند تا در کنار یکدیگر بر ظلم و ستم حاکمیت استبداد بخروشنند و با فراموشی و خاموشی مبارزه کنند.

دستمیزاد به همه دست اندرکاران و شرکت کنندگان در این تجمع و خاطره ماندگار.

رسم است که پس از هر واقعه سیاسی بزرگ و خاطره انگیز و برای بهسازی و تداوم آن به نقاط ضعف و قوت آن پرداخت و با خرد جمعی در تدارک آینده آن بود. هم از اینجهت نکته ای را از میان داده ها و شنیده های تا کنونی قابل ذکر دانستم.

نمی بخشیم و فراموش هم نمی کنیم بعنوان شعاری شناخته شده و هدفمند بلحاظ سیاسی و شاید بزودی قضائی در میان اپوزیسیون سازش ناپذیر با رژیم و حواشی آن مطرح است. بدرستی میتوان گفت که تلاشهای برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در 4 دوره گردهمائی زندانیان سیاسی بیشترین نقش در تثبیت و طرح این شعار داشته است.

تلاشهای بسیاری صورت گرفت که در برابر این شعار ببخشیم و فراموش نکنیم و یا ببخشیم و فراموش کنیم را جا بیاندازند که به همت نیروهای رادیکال جنبش (سرنگونی طلب) این ترفند ها نیز کاری نیافتاد. اما این طیف از پا نخواهند نشست و از راههای دیگر وارد خواهند شد. خطر این ترفند همیشگی خواهد بود. هم از اینرو یادآوری این نکته اگر چه شاید تکراری اما کم ضرر است.

تفاوت میتوان گذاشت میان آنها که نمی بخشند و آنها که می بخشند و اگر در حال حاضر دچار فراموشی نشده اند که ببخشند! اما پتانسیل آن را دارند و با خود حمل می کنند.

کدام پتانسیل و چگونه آنرا عریان میکنند؟.

پاسخ این سوال رفتار سیاسی آنهاست که قاشق در کاسه سازمانها و نهادهائی دارند که از تشعشع!! و تالو!! اصلاح طلبان شریک جرم، انگشت بدهان مانده اند. در فعالیتهای سبز رنگ این جماعت شرکت میکنند و گاه بدنبال رای خود فریاد وا دمکراتیکا!! سر میدهند و حمایتهای مالی و ارتباطی خود را در اختیار آنها می گذارند. این طیف لزج و بسیار لیزند و بسادگی رنگ میبازند و جمعی عمل

میکنند. همین مشکل ساز است و میتواند روند تا کنونی گردهمائی ها که بر شعارهای نه می بخشیم و نه فراموش میکنیم و اینکه در حضور این رژیم جنایتکار پدیده زندانی سیاسی و دادخواهی باقی خواهد ماند را متأثر و منحرف سازد.

گفتگو بر سر یک یا چند فرد نیست. بحث یک طیف است که به مقتضی زمان و مکان دچار بیماری بی پرنسیپی هستند. این طیف بسیار هم توانا می باشند. با قلم و هنر بخوبی کار میکنند و بخشا بواسطه ارتباطات و رفاقت! های خانگی با رسانه های سبز یا خبرنگارهای انحصارطلبان همانند گویا و بی بی سی فارسی که این یکی ضربه های نوبه ای اش به جنبش خیابانی و رادیکال هنوز در یادهاست، چهره میشوند و به بازار مماشات سیاسی عرضه میشوند. آنچه که به تعبیری دیگر اپورتونیسیم محلی میتوان از آن نام برد. پز رادیکال می گیرند و با اصلاح طلبان معاشقه می کنند. آنان که برای چهره شدن از مرزهای سیاسی و وجدانی خود براحتی عبور میکنند قطعاً نمیتوانند مدعی عموم باشند و یاد هزاران عزیز قتلعام شده در دهه شصت و تابستان 67 را زنده نگاه دارند. چرتکه خود را محکم نگاه میدارند و بدنبال بلندگو در هر خانه ای را میزنند.

به همین چند جمله بسنده میکنم که آبی به آسیابی نریزم و آتشی به خرمنی نیاورم. جوهر کلام اما این است که هشیار باشیم که ناسازگاری با رژیم حاکم و شرکای سابق اما مجرمش که هنوز هم سکوت میکنند و یا در راه امامشان رویاهای طلائی می بینند، پایدار بماند و صلابت و سلامت گردهمائی بعدی همچنان که تا کنون حفظ شود.

نکته آخر اینکه اگر چه افتخار سخنگویی گردهمائی چهارم در اتریش به من محول شده بود و با علاقه پذیرفته بودم اما بدلایل مشکلات بسیار و سلامت جسمی خود را برای ادامه توانمند نمی بینم و با تأسف تمام و کمال، آرزوی موفقیت برای تک تک شما در برگزاری این گردهمائی ها دارم. امید که گردهمائی پنجم با شکوه هر چه بیشتر برگزار گردد و سایت گزارشگران مقتخرا همچنان در کنار و بعنوان جزئی از هواداران و مبلغان آن برقرار بماند.

بهروز سورن

18.09.2011

www.gozareshgar.com